

شرح خطبه غدیر خم

حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی اسدی نسب

مدیر گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه

مقدمه: مبنای غدیر خم

برای اینکه فلسفه امامت امام علی (ع) و حقیقت غدیر خم روشن شود ابتدا هشت امر اساسی را بیان می‌داریم:

۱. جاودانگی:

آموزه‌های قرآنی براساس آیات قرآن از جمله: و من یتبع غیر الإسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین (و کسی که غیر از اسلام آیینی دیگر برای خودانتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیان‌کاران است). و نیز آیه: ما کان محمد أباً أحد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شیء علیما. (حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پدر هیچ‌یک از مردان شما نبود ولی رسول خدا و خاتم و آخرین پیامبر است و خداوند به هرچیز آگاه است) براین

اساس ممکن نیست زمانی رسد که جمعی آیات قرآن یا بخشی از آنها را غیر لازم و ناکارآمد بدانند.

۲. جهانی

بر اساس آیات فراوان از جمله آیه: و ما أرسلناك إلا كافة للناس بشيرا و نذيرا و لكن أكثر الناس لا يعلمون. (و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها را به پاداش های الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی ولی اکثر مردم نمی دانند) بنابراین هیچ منطقه جغرافیائی و یا هیچ قومی ولو دانشمندان نمی توانند بگویند آموزه های قرآنی مورد نیاز ما نیست بلکه همه بدان نیازمندند و هرکس بر سر سفره قرآن نشیند لاجرم با دست پر برخیزد چرا که برخاسته از علم مطلق و غیر متناهی الهی است.

۳. جامعیت

و نزلنا عليك الكتاب تبينا لكل شيء و هدى و رحمة و بشرى للمسلمين (و ما این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است) براساس این آیه هرآنچه انسان در مسیر هدایت و رسیدن به سعادت ابدی تا قیامت نیاز دارد در هر زمینه ای باشد در قرآن موجود است.

۴. ضرورت اجرای همه آموزه‌های قرآنی

قرآن در آیات فراوانی بیان می‌دارد که باید حکم خدا بر فرد و جامعه حاکم باشد در غیر این صورت انسان گرچه برخی از آموزه‌ها را نادیده انگارد فاسق، ظالم و کافر قلمداد می‌گردد چنانکه قرآن می‌فرماید:

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الفاسقون
و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الظالمون
و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الكافرون

۵. کار پیامبر و نبوت با ارتحال پیامبر تمام نشد زیرا اولاً: محتوای دین اسلام در زمان پیامبر تمام نشد و بسیاری از آیات تفسیر نشد و بسیاری از احکام اسلام بیان نشد و تفاسیل کلیات در موارد فراوانی روشن نشد ثانیاً: الگوهای راهگشا که بتوانند در زمانهای مختلف و در رویدادهای مختلف برای مردم الگو و درس باشند وجود پیدا نکرد چون در زمان پیامبر تعداد اندکی توانستند او را از نزدیک ببینند و از او الگو بگیرند و از آموزه‌های او بهره ببرند.

۶. با نصب علی (علیه السلام) در غدیر خم بود که اسلام تکمیل شد و خداوند دستور داد: یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك و إن لم تفعل فما بلغت رسالته و الله يعصمك من الناس إن الله لا يهدي



القوم الكافرين (ای پیامبر، آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است [درباره نصب علی (ع)] به امامت و خلافت و ولی امر مسلمین و جانشین تو کاملاً [به مردم] برسان و اگر نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از [حضرات احتمالی] مردم نگاه می‌دارد و خداوند گروه کافران [لجوج] را هدایت نمی‌کند) و بعد که امام علی را نصب کرد فرمود: اليوم یسئ الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم و اخشون الیوم أکملت لکم دینکم و أتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دینا امروز کسانی که کافر شده‌اند، از [کارشکنی در] دین شما نومید گردیده‌اند. (پس، از ایشان مترسید و از من بترسید. امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم.)

۷. پیامبر مقامهای متعدد داشت از جمله این هشت شأن و مقام داشت:

۱. عصمت در دریافت وحی رسالی قرآنی
۲. عصمت در دریافت وحی الهامی غیر قرآنی
۳. عصمت در ابلاغ وحی
۴. عصمت در تفسیر وحی
۵. عصمت در اجرای وحی (عصمت عملی هم در فهم تکالیف شخصی

و هم در انجام تکالیف شخصی)

۶. ولایت تشریحی (تبیین جزئیات آموزه‌های دینی که در قرآن ذکر نشده است)

۷. ولایت تکوینی

۸. ولایت سیاسی و حکومت بین مردم رساست

۹. ولایت داوری و قضاوت میان مردم

۱۰. محل نزاع شیعه با اهل سنت خلافت شخصی پس از پیامبر با

که دارای همه شئون و مقامات فوق غیر از مورد یکم است

از نظر شیعه اختلاف پس از پیامبر برسر تعیین اینکه چه کسی حاکم بر مردم باشد نبود اگر چنین بود شاید حق با اهل سنت است که امام نه لازم است از طرف خدا منصوب شود و نه لازم است معصوم باشد زیرا منصبی اجرایی است که چند سالی حکومت سیاسی می‌کند و بعد از آن کسی دیگر جای او را می‌گیرد. اما این مقام مورد بحث نیست بلکه حرف شیعه آن است که چه کسی بعد از پیامبر همانند پیامبر است که همه آن شئون و اختیارات و مقامات را دارد لکن تنها به او وحی قرآنی نمی‌شود اما دارای وحی غیر قرآنی است و توان بیان و تکمیل کار پیامبر را دارد که اگر نبود دین اسلام ناقص تلقی می‌شد.

نتیجه آنکه خلیفه پیامبر اسلام باید هم معصوم باشد و هم منصوب از



طرف خدا و رسول خدا باشد و چون این مقام تنها در امام علی منحصر بود، پیامبر او را در عید غدیر خم به امر خدا به این سمت به شکل کاملآ رسمی و همگانی و در یک فرصت طلایی منصوب نمود و اینگونه دین اسلام کامل گشت.

شرح خطبه غدیریه

خطبه غدیر دارای (ص) بخش و بیش از صد فراز است که (ص) بخش عباتند از:

۱- شرح و تفسیر مقدمه عارفانه خطبه غدیریه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَ دَنَا فِي تَقَرُّدِهِ وَ جَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَ عَظَمَ فِي
أَرْكَانِهِ، ...

[ستایش خدای را سزااست که در یگانگی اش بلند مرتبه و در تنهایی اش به آفریدگان نزدیک است؛ سلطنتش پر جلال و در ارکان آفرینش اش بزرگ است...].

شرح متن خطبه:

۱۷ (فراز، از (۱۱۰) فراز خطبه غدیریه که رسول الله (ص) در جمع ۱۲۰ هزار حج گزار در سرزمین جحفه در سال دهم هجرت روز ۱۸ ذی حجه (غدیر) ایراد فرمودند مقدمه خطبه است که در حمد و ستایش ذات باری تعالی است که جنبه عرفانی، قدسی و ملکوتی دارد و پیوسته رسول الله (ص) در این (۱۷) بند، از (صفات ذات) به (صفات افعال) و از (صفات افعال) به (صفات ذات) و از (صفات جلال) به (صفات جمال) و از (صفات جمال) به (صفات جلال) سلوک می نمایند.

معنای صفات ذات و صفات فعل

مقصود از (صفات ذات) حضرت جل اسمه صفاتی است که دو

طرف ندارد. اگر ذات مطلق و بی نهایت حق، درست تصور شود آن صفات خود بخود تصور می شود. ولی صفات فعلی صفاتی است که صرف تصور ذات کافی نیست؛ بلکه باید این فعل هم محقق شده باشد تا بتوان آن صفت را به خدا نسبت داد -

معنای صفات جمال و جلال

مقصود از (صفات جمال) صفاتی است وقتی انسان با آن ارتباط برقرار می کند چیزی جز لطف و رحمت بی کران خدا را نخواهد دید؛ مثل ستار، غفار، تواب بودن حق تعالی.

ولی (صفات جلال) صفاتی است وقتی انسان با آن ارتباط برقرار می کند آنچه را که می یابد کبریایی، هیبت و عظمت الهی است مثل متکبر، منتقم و قهار بودن خداوند متعال است.

۲- فلسفه نصب امامت در خطبه غدیریّه

متن خطبه:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيَّ فِي حَقِّ عَلِيِّ (فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ)، وَقَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ مِنَ النَّاسِ»

[چرا که اعلام فرموده که اگر آن چه (درباره ی علی) نازل کرده به مردم نرسانم، وظیفه رسالتم را انجام نداده ام؛ و خداوند تبارک و تعالی امنیت از [آزار] مردم را برایم تضمین کرده]

و البته که او بسنده و بخشنده است.

شرح متن خطبه:

پس از خطبه عارفانه و پیش از معرفی امام علی (ع)، پیامبر در مقام توجیه حج گزاران در مقام گزارش برآمدند که فلسفه امامت چیست و چرا می‌خواهند اقدام به نصب امامت بعد از خود بنمایند از همین رو فراز (۱۷ و ۱۸) خطبه غدیریه اختصاص به بیان فلسفه امامت دارد و شرح این دو فراز زمانی امکانی پذیر است که به دو استدلال بسیار دقیق برای نصب اصل امامت دقت و تأمل نماییم:

دلیل اول؛ (بر فلسفه امامت)

دلیل اول؛ بر فلسفه وجود امامت در این است که حقیقت و باطن توحید نبوت است و اگر نبوت نباشد از توحید، شرک بیرون می‌آید همان گونه که هندوها و بوداییان خودشان را موحد می‌دانند؛ ولی در همان حال گاو می‌پرستند، چون به نبوت اعتقاد ندارند. اما اگر نبوت کنار توحید باشد، توحید در جای اصلی خودش قرار می‌گیرد. کافی است برای اثبات این مدعا که نبوت منهای امامت چه سرنوشتی پیدا می‌کند فقط به این چند روایتی که در صحاح سته اهل سنت آمده است توجه شود:

الف- روزی پیامبر در مسجد نشسته بود صدای قرآن خواندن مسلمانانی بگوشش رسید فرمود: خدای رحمتش کند این قاری قرآن را،

مرا به یاد آیاتی آورده که بکلی فراموش کرده بودم و فلان سوره از قرآن را اسقاط می کردم.^۱

ب- عایشه می گوید: درحالیکه دو کنیزک آوازه خوان درخانه من شعرهایی از جاهلیت و جنگ آنان را با آواز می خواندند، پیامبر وارد اطاق من شد و هیچ عکس العملی نشان نداد؛ ولی پدرم ابوبکر وارد شد به شدت و تندى به من گفت: ساز و آواز شیطنانی در محضر پیامبر؟! پیامبر به ابوبکر فرمود کاری به آنها نداشته باشد هر قومی عیدی دارد امروز هم عید ما است.^۲

ج- عایشه می گوید: من و پیامبر در زیر یک روانداز خوابیده بودیم؛ ابوبکر وارد شد، پیامبر بدون این که از جایش بلند شود اجازه داد ابوبکر وارد شود کارش انجام داد، و پس از وی عمر وارد شد، باز همین گونه بود اما وقتی عثمان وارد شد پیامبر به او گفت: لباست را به دور خود بپیچ و خودش هم بلند شد، لباس کامل پوشید. عرض کردم چرا در مقابل عثمان این همه احترام قایل شدی فرمود: آیا حیا نکنم از مردی که فرشتگان از او حیا می کنند.^۳

دلیل دوم؛ (برفلسفه امامت)

دلیل دوم؛ برفلسفه نصب امام آن است که امام، باطن و حقیقت

۱ - صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۱۰، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۹)

۲ - صحیح بخاری، ج ۲، ص ۳ و صحیح مسلم، ج ۳، ص ۲۲)

۳ - صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۱۶

احکام اسلامی را تشکیل می دهد و اگر امام نباشد نه تنها نمی توان تشخیص داد حلال و حرام الهی کدام است، بلکه در مقام اجرا نیز احکام اسلامی جنبه اجرایی پیدا نمی کند.

از همین رو امام کاظم (ع) در تفسیر آیه (۳۱) سوره اعراف (قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ^۱

[ای پیامبر بگو که پروردگار من تنها امور شایسته و پلید را ممنوع نموده، چه اشکار باشند و چه پنهان].

می فرماید:

إِنَّ الْقُرْآنَ لَهُ ظَهْرٌ وَبَطْنٌ فَجَمِيعُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ هُوَ الظَّاهِرُ وَالبَّاطِنُ مِنْ ذَلِكَ أَيْمَةُ الجُورِ وَ جَمِيعُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْكِتَابِ هُوَ الظَّاهِرُ وَ البَّاطِنُ مِنْ ذَلِكَ أَيْمَةُ الْحَقِّ^۲.

همانا قرآن دارای ظاهر و باطن است. تمام آنچه را که خداوند در قرآن تحریم نموده پلیدی آن محرمات، سطحی و ظاهری است، و باطن و روح آن پلیدی ها، امام جایز و ظالم اند، و تمام آنچه را که خداوند در این کتاب حلال نموده حلیت و نیکی و مترقی بودن آن امور سطحی و ظاهری است و ریشه و روح و باطن آن امام حق اند.

امام کاظم (ع) در این تفسیر ریشه تمام بیماری های اجتماعی و ام الفساد را امام جایز و ظالم و منشا سعادت اجتماعی را امام عادل می داند. پس باتوجه به این دو دلیل نتیجه می گیریم که امامت استمرار راه

^۱ - اعراف: ۳۱.

^۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۴.

نبوت است به همین دلیل است پیامبر در خطبه غدیریه می فرماید:
«لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ - لَأَنَّهُ قَدْ عَلِمَنِي أَنِّي إِن لَّمْ أُبَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيَّ (فِي حَقِّي عَلَيَّ) فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ»

[معبودی جز او نیست - چرا که اعلام فرموده که اگر آن چه (درباره ی علی نازل کرده به مردم نرسانم ، وظیفه رسالتش را انجام نداده ام].

۳- راز تکرار نصب امام علی (ع) در غدیر

متن خطبه:

«أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلِيَّ قَدْ بَايَعَنِي . وَأَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ
اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»

شرح متن خطبه:

فراز (۲۱ تا ۲۴) خطبه، اشاره به گروه های مخالف رهبری امام علی (ع) و راز تکرار نصب امامت آن در غدیر دارد چرا که: هر چند از سال سوم بعثت و نزول ایه مبارکه (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) پیامبر با این بیان (هذا اخی، وصیی، وزیری) بارها امام علی (ع) را در موقعیت های مختلف به عنوان جانشین خود معرفی کرده بودند.

ولی به سه دلیل آن معرفی ها کفایت نمی کرد و می بایست در کنگره بزرگ غدیر به عنوان آخرین بار آن حضرت معرفی شود:

دلایل ضرورت معرفی امامت امام علی(ع) در غدیر خم

دلیل اول

نظام ولایی که از یک طرف قدسی و آسمانی و نیز نصب و مشروعیتش از ناحیه حق تعالی باشد و از طرف دیگر کارآمد و مقبولیتش زمینی و به بیعت مردم بستگی داشته باشد تجربه جدید بشری بود و سابقه نداشته است.

11

به همین دلیل نصب های گذشته تنها قدسی و آسمانی بودن را ثابت می کرد نه جنبه زمینی را، از همین رو یک بار دیگر در کنگره غدیر نصب امامت علی(ع) به امر الهی تکرار شد تا جنبه بیعت مردم نیز انجام بگیرد و مسلمین با فرم و قالب حکومت ولایی آشنا شوند.

دلیل دوم

هرچند در بیست و سه سال از دوره بعثت، حضرت علی(ع) در موقعیت های مختلف به عنوان امام، خلیفه، وصی پیامبر معرفی شد؛ ولی همه در مکه و مدینه بوده است. ولی به صورت جهانی و در کنگره عظیمی چون غدیر در بین جمعیت ۱۲۰ هزار جمعیت از مدینه، یمن، شامات.. نبوده است.

برای اینکه همه جهان اسلام از همه بلاد اسلامی در جریان چنین واقعه عظیم قرار بگیرند پیامبر تصمیم گرفت در این کنگره شکوهمند، علی(ع) را به عنوان وصی خود معرفی نمایند.

دلیل سوم

از آنجایی که این امام علی(ع) بود در شب لیلة المیت جای پیامبر خوابید تا آن حضرت از ترور حتمی قریش نجات یافت. و این علی(ع) بود که گردن گردنکشان سران قریش را قطع کرد تا زمینه فتح و تثبیت اسلام فراهم آورد که خود در نامه (۶۴) نهج البلاغه خطاب به معاویه می نویسد:

وَ عِنْدِي السَّيْفُ الَّذِي أَغْضَضْتُهُ بِجِدِّكَ وَ خَالَكَ وَ أَخِيكَ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ
[شمشیری که من آن را در یک روز برجد تو(عتبه) و دایی تو(ولید) و برادرت
(حنظله) فرود آوردم نزد من است].

پس در این مدت دشمنان فراوانی برایش به وجود آمده است. علاوه بر این، امام علی(ع) شخصیتی بود که در زیر مجموعه قبیله اوس، خزرج، تیم، عدی، اوس، خزرج و اموی قرار نداشت طبعاً مردمی که رهبری را در ساختار قبیله ای تعریف می کردند نمی خواستند رهبری خارج از حزب و قبیله خود را بپذیرند.

از همین رو بسیار ساده قابل پیش بینی بود آنان، آنچه که پیامبر فرموده بود انکار نمایند و یا به گونه دیگر توجیه نمایند. رسول خدا به امر الهی در کنگره عظیم حج امام علی(ع) را معرفی کردند تا راه هرگونه انکار امامت را به روی همه ببندند. از همین رو پیامبر خبر از توطئه این گروه منافق داد و فرمود:

«لَا وَايِيَّ عِنْدَ انْقِضَاءِ حُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ

الإِقْرَارِ بِهِ ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدَ»

[اینک شما را می خوانم که پس از پایان خطبه با من و سپس با علی دست دهید تا با او بیعت کرده به امامت او اقرار نمایید].

و نیز خطاب به حج گزاران فرمود:

«أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلِيَّ قَدْ بَايَعَنِي . وَأَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ
اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ . (إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يَبَايِعُونَ اللَّهَ ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ .
فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ ، وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ
أَجْرًا عَظِيمًا »

[آگاه باشید من با خداوند، و علی با من، پیمان بسته و من اکنون از سوی
خدای عزوجل بری امامت او پیمان می گیرم . (ای پیامبر) آنان که با تو بیعت کنند
هر آینه با خدا بیعت کرده اند . دست خدا بالای دستان آنان است . و هر کس
بیعت شکند ، بر زبان خود شکسته ، و آن کس که بر پیمان خداوند استوار و با وفا
باشد ، خداوند به او پاداش بزرگی خواهد داد].

چه نیازی به بیعت مردم بود؟

اصرار و تأکید پیامبر (ص) بر بیعت سه دلیل مهم داشته است:

دلیل اول

آنچه در غدیر انجام گرفت تأسیس حکومت ولایی بوده است که
اقتدار و به فعلیت رسیدن رهبری امام جامعه به مقبولیت و آرا مردم
بستگی دارد.

از همین رو رسول اعظم (ص) اصرار بر بیعت مردم دارند تا در جامعه اسلامی کاملاً نهادینه شود که مشروعیت امامت قدسی و آسمانی است، ولی مقبولیت، فرشی و زمینی و به بیعت و آرا مردم بستگی دارد.

دلیل دوم

از مجموع خطبه و از تأخیر پی در پی معرفی از عرفات تا غدیر نشان از یک واقعیت تلخ است و آن این که رسول الله (ص) به این نتیجه رسیده بودند اگر حجت را بر این سران و شیوخ قبیله خزرج اوس، اموی و بنی هاشم تمام نکند با آن بافت قبیله گرایی که دارند، امکان نقض عهد و شکستن پیمان وجود دارد و حضرت می خواستند با این بیعت راه نقض عهد را ببندند و کسی نگوید من روز غدیر چنین سیستم رهبری را نپذیرفته بودم که اگر اقدام به مخالفت کرد، واقعا و حقیقه مبعوض و ملعون پیامبر و خدای پیامبر قرار بگیرد از همین رو از توطئه این گروه کار شکن خبر داد و فرمود:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَنْصُرُونَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِيثَانِ مِنْهُمْ»

[مردمان! به زودی پس از من پیشوایانی خواهند بود که شما را به سوی آتش می خوانند و در روز رستاخیز تنها وبدون یاور خواهند ماند. هان مردمان! خداوند و من از آنان بیزاریم].

و نیز فرمود:

«وَسَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَ اغْتِصَابًا، (أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ

الْمُعْتَصِبِينَ»

[آگاه باشید! به زودی پس از من امامت را با پادشاهی جابه جا نموده. آن را غصب کرده و به تصرف خویش درآورند. هان! نفرین و خشم خدا بر غاصبان و چپاول گران].

دلیل سوم

رسم و سنت در جزیره العرب بر این بوده است وقتی رئیس قبیله یا حاکمی را انتخاب می کردند با او بیعت می نمودند و با بیعت، رهبری وی مشروعیت پیدا می کرد.

پیامبر برای این که پس از ایشان، کسی با این بهانه که در روز غدیر بیعت انجام نشد در مقام مخالفت بر نیاید زن و مرد حاضر در غدیر خم را مکلف کرد که به صورت رسمی همه با امام علی(ع) بیعت کنند و فرمود:

أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَىٰ مُصَافَقَتِي عَلَىٰ بَيْعَتِهِ وَ
الإِقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدَ

[اینک شما را می خوانم که پس از پایان خطبه با من و سپس با علی دست دهید تا با او بیعت کرده به امامت او اقرار نمایید].



۴- راز دلالت کلمه (مولا) بر امامت

متن خطبه:

«ثم قال: «ايها الناس، من أولى بكم من أنفسكم؟ قالوا: الله ورسوله. فقال: ألا من كنت مولاة فهذا على مولاة، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وأنصر من نصره واخذل من خذله»».

به دلایل متعدد (مولا) هرچند معانی متعدد دارد ولی (مولا) درکلام رسول الله (ص) را نمی توان حمل بر دوستی و محبت نمود:

دلیل اول

استدلال به امامت امام علی (ع) در خطبه غدیریه تنها به این فراز نیست تا گفته شود کلمه (مولا) معانی متعدد دارد؛ بلکه به متن خطبه غدیریه است که در این متن (۳۷) بار در فراز های متعدد خلیفه، وصی، امام آمده است و دیگر راهی برای چنین مغالطات و تأویل ها باقی نمی ماند که چند مورد را برای فهم بیشتر می آوریم:

۱- در فراز نوزدهم آمده است:

«أَنْ أَقَوْمَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَعْلِمَ كُلَّ أَبِيصٍّ وَأَسْوَدَ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّ وَخَلِيفَتِي (عَلَى أُمَّتِي) وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا تَبِيَّ بَعْدِي وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»

۲- در فراز چهل و یکم آمده است:

«فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ (ذَالِكِ فِيهِ وَأَفْهَمُوهُ وَاعْلَمُوا) أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ

لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ
يَاخْسَانٍ، وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَعَلَى الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ
وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَعَلَى كُلِّ مُؤَخَّجٍ . مَا ضِ حُكْمُهُ،
جَائِزٌ قَوْلُهُ، نَافِذٌ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَصَدَّقَهُ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ
لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ»

۳- در فراز چهل و چهار آمده است:

17

«مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا
وَأَتَّقُوا لَا مِرَّ لِلَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَاهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ
رَسُولُهُ وَنَبِيِّهِ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلَى وَوَلِيِّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ
رَبِّكُمْ»

پس با تأمل در خطبه می یابیم بر فرض این که (مولا) در همین جا به
معنای دوست باشد آسیبی به نصب امامت امام علی (ع) در واقعه غدیر
نمی زند؛ چراکه پیامبر نخست فراز به فراز خطبه آن حضرت را به عنوان
وصی، خلیفه، امام معرفی کردند و در پایان فرمودند:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاَهُ»

دلیل دوم

هر چند در لغت یکی از معانی (مولا) دوستی است ولی در این
خطبه نمی تواند به معنای دوست باشد؛ بلکه (مولا) در کلام رسول الله
(ص) به معنای امام و رهبری است. چرا که مردمی که شنونده کلام رسول
الله (ص) بودند هیچ یک چنین پرسشی ننموده و ایرادی نگرفتند که چرا

شما برای دوستی علی (ع) ما را در این سرزمین جحفه سه روز نگه داشته‌اید. همین سکوت مؤید این معنا است که آنان از (مولا) در کلام رسول الله (ص) معنای زعیم و رهبری را می فهمیدند و ارزش چند روز معطل شدن برای چنین رویداد سیاسی را می دانستند.

دلیل سوم

هرگز در جزیره العرب برای دوستی بیعت نمی گرفتند؛ بلکه برای رهبری تنها بیعت مرسوم بوده است. از همین رو در فراز (۹۶) آمده:

«أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَالْإِقْرَارِ بِهِ»

و همین که پیامبر گرامی در این فراز از خطبه همه حج گزاران مکلف بر بیعت امام علی (ع) نمودند خود بهترین شاهد و قرینه است که نمی توان کلمه (مولا) در کلام رسول الله (ص) را حمل بر دوستی نمود.

دلیل چهارم

براین که کلمه (مولا) در خطبه غدیریه به معنای دوستی نیست شعر (حسان بن ثابت) است که پس از نصب امام در حضور رسول الله (ص) و ۱۲۰ هزار حج گزار سروده اند. این اشعار در منابع اهل سنت آمده و مرحوم علامه امینی تمام منابع را در الغدیر آورده اند و در این شعر، حسان کلمه مولا را بر امام تفسیر کرد و شخص پیامبر به او اعتراضی نکرده اند و آن بیت مورد نظر این است:

فقال له قم يا علي فاني رضيتك بعدى اماما وهاديا

۵- استمرار امامت در نسل امام علی (ع)

مطلبی که در این زمینه بیان داشته‌اند بخشی راجع امام علی و بقیه امامان است و بخش دوم در باره امام زمان (عج)

مطلب اول:

متن خطبه:

«ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلَىٰ وَلِيِّكُمْ وَ إِمَامِكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ»

بخش مهمی از فرازهای خطبه غدیریه اختصاص به بیان استمرار نبوت از نسل امام علی (ع)، و نیز به بیان اختصاصات حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء دارد.

در چهار فراز از خطبه، پیامبر خدا (ص) اصرار دارند تا مسلمین را متوجه این نکته نمایند غدیر و حجه الوداع تنها محل معرفی امام علی (ع) به عنوان خلیفه، امام، وصی رسول الله (ص) نیست، بلکه زمینه فرصتی است که به امر الهی و به نص رسول الله (ص) مسلمین بدانند امامان بعد از پیامبر دوازده تن هستند که یازده تن دیگر از نسل پیامبر و از صلب علی (ع) می باشند که اول از این دوازده تن امام علی (ع) و آخر و خاتم امامان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، از همین روست در چهار فراز از خطبه غدیریه آمده است.

۱- مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي (مِنْ صُلْبِهِ) هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَن صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ



لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ . أَلَا إِنَّهُمْ أَمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَحُكَامُهُ
فِي أَرْضِهِ:

[هان مردمان ! همانا علی و پاکان از فرزندانم از نسل او ، یادگار گران سنگ
کوچک ترند و قرآن یادگار گران سنگ بزرگ تر . هر یک از این دو از دیگر همراه
خود خبر می دهد و با آن سازگار است . آن دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا در
حوض کوثر بر من وارد شوند . هان! بدانید که آنان امانتداران خداوند در میان
آفریدگان و حاکمان او در زمین اویند].

۲. مَعَاشِرَ النَّاسِ، هُوَ نَاصِرٌ دِينَ اللَّهِ وَالْمَجَادِلُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ، وَ هُوَ التَّقِيُّ
التَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي. نَبِيكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَ وَصِيكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ (وَبَنُوهُ
خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ). مَعَاشِرَ النَّاسِ ، ذُرِّيَةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ
(أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ) عَلِيٍّ .

[هان مردمان ! او یاور دین خدا و دفاع کننده ی از رسول اوست . او پرهیزکار
پاکیزه و رهنمای ارشاد شده [به دست خود خدا] است . پیامبرتان برترین پیامبر،
وصی او برترین وصی و فرزندان او برترین اوصیایند . هان مردمان ! فرزندان هر
پیامبر از نسل اویند و فرزندان من از صلب و نسل امیرالمؤمنین علی است].

۳- ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَ لِيَكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي
ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ

[و پس از خداوند ولی شما ، فرستاده و پیامبر اوست که اکنون در برابر
شماست و با شما سخن می گوید . و پس از من به فرمان پروردگار ، علی ولی و
صاحب اختیار و امام شماست . آن گاه امامت در فرزندان من از نسل علی خواهد

بود. این قانون تا برپایی رستاخیز که خدا و رسول او را دیدار کنید دوام دارد].
 ۴- مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ، ثُمَّ عَلِيَ مِنْ
 بَعْدِي . ثُمَّ وُلِدَى مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةٌ (الْهُدَى) ، يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ : .
 [هان مردمان ! صراط مستقیم خداوند منم که شما را به پیروی آن امر فرموده
 و پس از من علی است و آن گاه فرزندانم از نسل او ، پیشوایان راه راستند که به
 درستی و راستی راهنمایند و به آن حکم و دعوت کنند].

21

مطلب دوم: خصایص حضرت مهدی سلام الله علیه

پس از آنکه رسول الله (ص) در خطبه غدیریه جانشینان بعد از خود تا
 قیامت را بیان کردند، به خصایص هفده گانه حضرت مهدی عجل الله
 تعالی فرجه الشریف به عنوان خاتم الانمه: پرداختند، از همین رو
 می فرمایند:

۱- خاتم انمه:

«أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ»

[آگاه باشید ! همانا آخرین امام ، قائم مهدی از ماست]

۲- چیرگی بر ادیان:

«أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ»

[هان ! او بر تمامی ادیان چیره خواهد بود]

۳-- انتقام گیرنده:

«أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ».

هشدار ! که اوست انتقام گیرنده از ستمکار)

۴- فاتح دژها:

«أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَهَادِمُهَا»

[هشدار ! که اوست فاتح دژها و منهدم کننده ی آنها]

۵- چیرگی بر مشرکان:

«أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْكِ وَهَادِيهَا»

[هشدار ! که اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و راهنمای آنان]

۶- خونخواه تمام اولیاء:

«أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ»

[هشدار ! که او خونخواه تمام اولیای خداست]

۷- یاری رسان دین:

«أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ»

[آگاه باشید ! اوست یاور دین خدا].

۸- دریایی ژرف:

«أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ».

[هشدار ! که از دریایی ژرف پیمانه هایی افزون می گیرد].

۹- ارزشمند کردن ارزش ها

«أَلَا إِنَّهُ يَسِّمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ»

[هشدار ! که او به هر ارزشمندی به اندازه ی ارزش او و به هر نادان و

بی ارزشی به اندازه ی نادانی اش نیکی کند].

۱۰- وارث دانش ها:

«أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمَحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ».

[هشدار! که او وارث دانش ها و حاکم بر ادراک هاست].

۱۱- مبین آیات الهی:

«أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْمَشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ»

[بیدار باشید بدانید که او از سوی پروردگارش سخن می گوید و آیات و نشانه

هی او را برپا کند].

۱۲- استوار بودن

«أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ»

[بدانید همانا اوست بالیده و استوار].

۱۳- داشتن ولایت تکوینی

«أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ!»

هموست که [اختیار امور جهانیان و آیین آنان] به او واگذار شده است.

۱۴- پیشگویی شده ظهور:

«أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ»

[آگاه باشید! که تمامی گذشتگان ظهور او را پیشگویی کرده اند]

۱۵- حجت پایدار:

«أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ»

[آگاه باشید! که اوست حجت پایدار و پس از او حجتی نخواهد بود. درستی و

راستی و نور و روشنایی تنها نزد اوست].



۱۶- غالب بر همه:

«أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنُصُورَ عَلَيْهِ»

هان! کسی بر او پیروز نخواهد شد و ستیزنده‌ی او یاری نخواهد گشت)

۱۷- ولی خدا:

«أَلَا وَإِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَأَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ

عَلَانِيَتِهِ»

[آگاه باشید که او ولی خدا در زمین، داور او در میان مردم و امانتدار امور

آشکار و نهان است].

۶- فضائل امام (ع)

متن خطبه:

«وَ كُلِّ عِلْمٍ عُلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ»

بخشی از (۱۱۰) فراز خطبه غدیریه به بیان فضائل امام علی علیه السلام اختصاص دارد که هریک از این فضائل نیاز به شرح و تفسیر مبسوطی خواهد داشت، ولی از باب آشنایی فهرستی از این فضائل را در اینجا می آوریم:

۱- علم گسترده داشتن:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ، عَلَى (فَصْلُوهُ) مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِي، وَ كُلِّ

عِلْمٍ عُلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا»

[هان مردمان! او را برتر بدانید. چرا که هیچ دانشی نیست مگر اینکه خداوند آن را در جان من نبشته و من نیز آن را در جان پیشوای پرهیزکاران، علی، ضبط کرده ام].

۲- مصداق سوره یس:

(وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ) الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: (وَ كُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ
او (علی) پیشوای روشنگر است که خداوند او را در سوره یاسین یاد کرده که:
« و دانش هر چیز را در امام روشنگر برشمرده ایم... »

۳- پرداخت زکات در حال رکوع:

« وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ (هِيَ): (إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ) ، وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ هُوَ رَاكِعٌ يَرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ »

[و پروردگارش آیه ای بر من نازل فرموده که: « همانا ولی، صاحب اختیار و سرپرست شما، خدا و پیامبر او و ایمانیانی هستند که نماز به پا می دارند و در حال رکوع زکات می پردازند. » و هر آینه علی بن ابی طالب نماز به پا داشته و در رکوع زکات پرداخته و پیوسته خداخواه است].

۴- میزان جدایی حق از باطل:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ، وَلَا تَسْتَكْفُوا عَنْ وِلَايَتِهِ،



فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيَزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيُنْهِي عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي
اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ»

[هان مردمان! از علی رو برنتابی و از امامتش نگریزید و از سرپرستی اش رو
برنگردانید او (شما را) به درستی و راستی خوانده و (خود نیز) بدان عمل نماید
او نادرستی را نابود کند و از آن بازدارد در راه خدا نکوهش نکوهش گران او را از
کار باز ندارد].

۵- اولین مؤمن به رسول خدا:

(أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمَّا يَسْبِقُهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ)

[او نخستین مؤمن به خدا و رسول اوست و کسی در ایمان، به او سبقت
نجسته].

۶- ایثار جان برای رسول خدا

«وَالَّذِي قَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدٌ
يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ (أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَ أَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ
مَعِيَ. أَمْرُتُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي، فَفَعَلَ فَادِيًا لِي بِنَفْسِهِ »

[و همو جان خود را فدای رسول الله نموده و با او همراه بوده است تنها اوست
که همراه رسول خدا عبادت خداوند می کرد و جز او کسی چنین نبود اولین نمازگزار
و پرستشگر خدا به همراه من است . از سوی خداوند به او فرمان دادم تا] در شب
هجرت [در بستر من بیارامد و او نیز فرمان برده ، پذیرفت که جان خود را فدای
من کند].

۷- اطاعتش موجب رستگاری:

(مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ قَدْ أَثْرَلَهَا فِي الْقُرْآنِ - أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَتْبَأَكُمْ بِهَا وَ عَرَفَهَا فَصَدَّقُوهُ . مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

[هان مردمان ! هر آینه برتری هی علی بن ابی طالب نزد خداوند عزوجل - که در قرآن نازل فرموده - بیش از آن است که من یکباره برشمارم . پس هر کس از مقامات او خبر داد و آن ها را شناخت او را تصدیق و تأیید کنید . هان مردمان ! آن کس که از خدا و رسولش و علی و امامانی که نام بردم پیروی کند ، به رستگاری بزرگی دست یافته است]

۸- بیعت با علی (ع) موجب بهشتی شدن:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ، السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مُوَالَاتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ (بِمَا أَدَّيْتُ وَ أَمَرْتُ) وَ اغْضِبْ عَلَيَّ (الْجَاهِدِينَ) الْكَافِرِينَ ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ »

[هان مردمان ! سبقت جوینان به بیعت و پیمان و سرپرستی او و سلام بر او با لقب امیرالمؤمنین ، رستگارانند.

(ع)- (فلسفه حلال و حرام، واجبات و محرمات در خطبه غدیریه)

متن: خطبه:

(مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ).

بخش مهمی از خطبه غدیریه اختصاص به بیان احکام الهی (حلال و حرام، واجبات و محرمات) و نیز بیان فلسفه پاره از احکام اختصاص پیدا کرده است، برای اینکه (حلال و حرام) و (واجبات و محرمات) و همچنین فلسفه برخی از این احکام شرح نماییم این بخش از خطبه را دسته بندی کرده و توضیح داده می شود.

۸- مشخصه های غدیرباوران

متن خطبه:

(فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)

شرح خطبه:

بخشی از فراز های خطبه در توصیف و معرفی غدیر باوران است، از همین رو در خطبه غدیریه چهار خصیصه برای ولایت مداران و غدیر باوران آمده

۱- ولای زعامت

غدیرباوران از نظر عقیده و اندیشه بر این باورند که از نظر زعامت و امامت، علی (ع) جانشین بعد از پیامبر است، دلیل و پشتوانه این باور آن

است که نمی شود خلیفه اول به محض اینکه متوجه شد چند روز از عمرش باقی نمانده است، فوراً به عثمان گفت: بنویس پس از من عمر خلیفه مسلمین است، و همچنین وقتی خلیفه دوم دید که چیزی از پایان عمرش باقی نمانده است، فوراً شورای شش نفره تشکیل تا از بین خود خلیفه آینده را انتخاب کند. کدام عقل سلیم می پذیرد رسول الله (ص) که هفتاد روز پیش از رحلتش از ناحیه حق تعالی متوجه شد که آخرین روز های عمرش است با توجه به این آگاهی از مرگش نسبت به آینده اسلام بی تفاوت می ماند؛ بلکه همان گونه که در گزارش خطبه غدیریه آمده است رسول الله صلی الله علیه وآله در جمع حج گزاران حجة الوداع در غدیر، رسماً با ایراد خطبه غدیریه و بیان

(أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي (عَلَى أُمَّتِي) وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي)
 علی (ع) را برای امامت نصب کردند

۲- ولای محبت

غدیرباوران به دلیل این که بالفطره میل به کمالات دارند و علی (ع) چون (ابوالفضایل) و (مجمع الفضایل) است نه تنها دوستش دارند بلکه به وی عشق می ورزند و حوضچه وجودشان آمیخته با عشق آن حضرت است از همین رو در خطبه غدیریه: (اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و أنصر من نصره)



۳- ولای اطاعت

(ولای محبت) غدیر باوران، رابطه تنگاتنگ با (ولای اطاعت) داشته و کسانی که محبت اهل بیت و امام علی (ع) را در جان خود دارند، برای اینکه ثابت کنند که دوستش دارند هر آنچه آن حضرت دستور داده باشند با جان و دل می پذیرند اطاعت می کنند. از همین رو در خطبه غدیریه در فرازهای متعدد به (ولای اطاعت) سفارش شده است و رسول خدا (ص) فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي وَ قَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَ نَهَيْتُهُ فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَ النَّهْيَ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسَلَّمُوا وَ أَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَ انْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشُدُوا وَ صَيِّرُوا إِلَيَّ مُرَادِهِ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السَّبِيلُ

[هان مردمان! همانا خداوند امر و نهی خود را به من فرموده و من نیز به دستور او دانش آن را نزد علی نهادم. پس فرمان او را بشنوید و گردن نهید و پیرویش نمایید و از آنچه بازتان دارد خودداری کنید تا راه یابید به سوی هدف او حرکت کنید راه هی گونه گون شما را از راه او باز ندارد].

۴- ناشر فضایل

غدیرباوران کسانی اند به حکم این که رسول الله (ص) در خطبه غدیریه فرمودند:

«فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرَ الْعَائِبَ وَ الْوَالِدَ الْوَالِدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَيَجْعَلُونَهَا مَلَكًا وَ اِغْتِصَابًا»

به نشر فضایل امام امیر المؤمنین (ع) و نیز تثبیت امامت آن حضرت

به ویژه آنچه در غدیر انجام گرفته می پردازند و هریک میثم تمار، علامه امینی صاحب الغدیر، و میر حامد حسین هندی صاحب عقبات الانوار می شوند و از جان و مال، قلم و زبانشان هزینه کرده و به نشر فضایل امام علی (ع) می پردازند

۵- پارسایی

از خصایص غدیر باوران تقواد رحیطه عمل و رفتار است از همین رو در مرتبه اول، تقوا (تقوای عام) یا به تعبیر روایات (خوف من النار) و به تعبیر سوم (تقوای عدول) دارند^۵ یعنی شخص به این دلیل واجبات را انجام می دهد و محرمات را ترک می کند که در آیه (۲۴) بقره آمده است:

فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

(ص)- (بیان خصوصیت منکرین ولایت)

متن خطبه:

(مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُوَافِقْهُ)

شرح متن خطبه:

بخش مهمی از فرازهای مهم خطبه غدیریه اختصاص به معرفی خصوصیت جریان اموی مسلکان دارد یعنی کسانی که نه تنها منکر ولایت بلکه منکر فضائل امام علی علیه السلام اند و حاضرند برای فرد خبیثی چون معاویه فضیلت تراشی کنند ولی نسبت به امام علی علیه



السلام که فضائلش در قرآن و سنت آمده کتمان کنند از همین رو در خطبه غدیریه پنج خصوصیت برای آنان آمده است

۱- ملعون بودن منکرین ولایت

نخستین خصیصه ای که برای منکرین ولایت در خطبه غدیریه آمده مورد (لعن) و (نفرین) رسول الله (ص) قرار گرفتن این جماعت است، از همین رو در فراز در خطبه آمده است:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَصَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذِكْرِ وَاثِمِي مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرَّزْقَ وَبَتِي الْخَلْقِ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُوَافِقْهُ إِلَّا إِنْ جَبْرَيْلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ: «مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَغَضَبِي»

[هان مردمان! عل را برتر دانید؛ که او برترین مردمان از مرد و زن پس از من است؛ تا آن هنگام که آفریدگان پایدارند و روزی شان فرود آید دور دور باد از درگاه مهر خداوند و خشم خشم باد بر آن که این گفته را نپذیرد و با من سازگار نباشد! هان! بدانید جبرئیل از سوی خداوند خبرم داد: «هر آن که با علی بستیزد و بر ولایت او گردن نگذارد، نفرین و خشم من بر او باد» .

۲- بی توفیقی در توبه

دومین خصیصه ای که در خطبه غدیریه برای منکرین ولایت آمده (توبه و استغفارشان) پذیرفته نمی شود. از همین رو در خطبه آمده است:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّهَهُ وَ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ حَتْمًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا شَدِيدًا نَكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَصْلُوا نَارًا وَ قُودَهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ»

[هان مردمان ! او رابتر دانید ، که خداوند او رابگرز یده ؛ و پیشوایی او را بپذیرید، که خداوند او را برپا کرده است، هان مردمان ! او از سوی خدا امام است و هرگز خداوند توبه منکر او را نپذیرد و او را نیامرزد، این است روش قطعی خداوند، درباره ناسازگار علی و هرآینه او را به عذاب دردناک پایدار کیفر کند، از مخالفت او بهراسید و گرنه در آتشی در خواهید شد که آتش گیره آن مردمانند و سنگ، که برای حق ستیزان آماده شده است].

۳- (گرفتار نفاق و شقاق)

سومین خصیصه ای که در خطبه غدیریه برای منکرین ولایت آمده است (اهل شقاق و نفاق) بودن این جماعت اموی مسلک است. از همین رو در خطبه آمده است :

«الْأَإِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيِّ هُمْ أَهْلُ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَ الْحَادُّونَ وَ هُمُ الْعَادُّونَ وَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ الَّذِينَ يُوجِبِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا»
[آگاه باشید! که دشمنان علی (ع) همان معاندان و منافقان و مخالفان و همان دشمنان و برادران شیاطین اند].



۴- حبط اعمال منکرین ولایت

چهارمین خصوصیت منکرین ولایت حبط اعمال است، به این معنا منکرین ولایت اگر همه روزهای سال را روزه بگیرند، و همه شب هارا نماز بخوانند، و هر سال از عمرشان رابه حج بروند، و همه اموال را انفاق کنند، ولی منکر ولایت امام علی(ع) باشند هیچیک از اعمالشان در پیشگاه الهی مورد قبول واقع نمی شود از همین رو در خطبه آمده است:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ، فَمَنْ لَمْ يَأْتُمْ بِهِ وَبِمَنْ يَتُّومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مَنْ صَلَّى إِلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ (فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ، (لَا يَخَفُّ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ)».

[هان مردمان! خداوند عزوجل دین را با امامت علی تکمیل فرمود: اینک آنان که از او و جانشینانش از فرزندان من و از نسل او - تا برپایی رستاخیز و عرضه‌ی بر خدا - پیروی نکنند، در دو جهان کرده هایشان بیهوده بوده در آتش دوزخ ابدی خواهند بود، به گونه‌ی که نه از عذابشان کاسته و نه برایشان فرصتی خواهد بود].

۵- مجازات سخت اخروی مخالفین ولایت

پنجمین خصیصه منکرین ولایت امام علی(ع) مجازات سخت و عذاب الیم در آخرت است از همین رو در خطبه غدیریه آمده است:

«أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَضِلُّونَ سَعِيرًا. أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحْجَتَهُمْ شَهيقًا وَ هِيَ تَفُورُ وَ يَرُونَ لَهَا زَفِيرًا. أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: (كَلِمًا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا) الْآيَةَ . أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ:

كَلَّمَا أَلْفَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ، قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ
فَكَذَّبْنَا وَ قُلْنَا مَا تَزَلُ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ) إِلَى قَوْلِهِ:
(أَلَا فَسْحَقًا لَأَصْحَابِ السَّعِيرِ). أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يُخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ ،
لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ»

[هان! دشمنان آنان آن کسانی اند که در آتش درآیند. و همانا ناله‌ی افروزش

جهنم را می‌شنوند در حالی که شعله‌هی آتش زبانه می‌کشد و زفیر (صدی بازدم)
جهنم را نیز درمی‌یابند. هان! خداوند درباره‌ی ستیزگران با آنان فرموده: «هرگاه
امتی داخل جهنم شود همتی خود را نفرین کند» هشدار! که دشمنان امامان
همانند که خداوند درباره‌ی آنان فرموده: «هر گروهی از آنان داخل جهنم شود
نگاهبانان می‌پرسند: مگر برایتان ترساننده‌ی نیامد؟! می‌گویند: چرا ترساننده
آمد لیکن تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند وحی نفرستاده و شما نیستید مگر در
گمراهی بزرگ!» تا آن جا که فرماید: «هان! نابود باد دوزخیان

